



## سنجش کفایت سند اجرایی یونسکو در شناسایی میزان درخطر بودن ده گونه‌ی منتخب زبان‌های ایرانی

الیناز فرمهینی فراهانی<sup>۱</sup>  
زهرا ابوالحسنی چیمه<sup>۲\*</sup>

### چکیده

نگارندگان در این تحقیق نُه شاخص انتقال بین‌نسلی، جمعیت دقیق گویش‌وران، مواد زبانی موجود در بحث آموزش و سوادآموزی، نگرش بومی‌زبانان به زبان بومی و نگرش‌ها و سیاست‌های دولتی و ... که در سند اجرایی یونسکو (LVE) Language Vitality and Endangerment به منظور رتبه‌بندی زبان‌های درخطر آمده است را اساس کار خود برای میزان درخطر بودن گونه‌های منتخب زبانی قرار داده‌اند. بدین منظور به‌طور کاملاً تصادفی ده گونه‌ی زبانی اغشتی، طالقانی، سنگانی، جابانی، افجه‌ای (گونه‌های زبانی استان تهران و البرز) لارکی، قشمی، گهگمی، ملکی‌گالی و بستکی (گونه‌های زبانی استان هرمزگان) در سه استان ایران: تهران (پایتخت)، البرز (مجاور پایتخت) و هرمزگان (بسیار دورتر از پایتخت) انتخاب شد. بر اساس سنجش هم‌زمان کل شاخص‌های این سند - که لازمه‌ی اجرای این سند می‌باشد - شدت تهدید هر گونه‌ی زبانی در طیف رتبه‌بندی در معرض خطر بودن زبان‌ها (ایمن تا نابود شده)، مشخص شد و همچنین بر اساس تحقیقات میدانی و مشاهدات نگارندگان معلوم گردید میزان فاصله از پایتخت، عوامل جغرافیایی و وضعیت اقتصادی سه عامل مهم‌تری هستند که جایگاه گونه‌های زبانی را در این طیف معین می‌کنند و نهایتاً می‌توان شدت درخطر بودن این گونه‌های زبانی منتخب را بدین گونه نشان داد: (این علامت > درخطر بودن را نشان می‌دهد)

به‌طرز وخیم درخطر > به شدت درخطر > قطعاً درخطر

افجه‌ای، اغشتی > جابانی، طالقانی > قشمی، ملکی‌گالی، لارکی، گهگمی، سنگانی، بستکی

**کلیدواژه‌ها:** زبان‌های درمعرض خطر، سند اجرایی یونسکو (LVE)، رتبه‌بندی زبان‌های درخطر، شدت درخطر بودن زبان‌ها، به‌طرز وخیم درخطر، به شدت درخطر، قطعاً درخطر.

✉ elinaz\_farahani@yahoo.com

۱- دانشجوی دکترای گروه زبان‌شناسی همگانی، واحد علوم و

تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

✉ zabolhassani@yahoo.com

۲- دانشیار پژوهشکده سمت (نویسنده مسئول)

## ۱. مقدمه

زبان هر قوم مشخصه‌ی هویت فرهنگی آنان است. اقوام مختلف اصالت، هویت، تاریخ، فرهنگ و ادبیات خود را در زبانشان جلوه‌گر می‌سازند. از این رو می‌توان گفت که با زوال یک زبان، قوام و اصالت آن قوم نابود می‌گردد؛ بالواقع قوم بدون زبان مثل فردی است که بدون قلب است. در ایران که سرشار از میراث فرهنگی ملموس و ناملموس<sup>۱</sup> است اقدام جدی در زمینه‌ی پاسداری از بعضی از زبان‌ها و گویش‌های اقوام مختلف که ساکن در ایران نیز هستند، صورت نگرفته است. اگر زبان را به‌عنوان یک میراث فرهنگی ناملموس در نظر بگیریم، همین‌جاست که نقطه‌ی عطف توجه به مسائل و مباحث گونه‌های زبانی در خصوص شدت و حدت در خطر بودن آنها در حوزه زبان‌شناسی اجتماعی پیش می‌آید.

## ۲. بیان مسئله

میراث فرهنگی، فقط به آثار تاریخی و مجموعه‌هایی از اشیاء ختم نمی‌شود، ما می‌توانیم به نوع دیگری از میراث فرهنگی، تحت عنوان «میراث فرهنگی ناملموس» نیز اشاره کنیم. میراث فرهنگی ناملموس به معنای رفتارها، نمادها، بیان‌ها، دانش‌ها، مهارت‌ها و نیز وسایل، اشیاء، مصنوعات دستی و فضاهای فرهنگی وابسته به آنها است که جوامع، گروه‌ها و در برخی موارد افراد، آنها را به‌عنوان بخشی از میراث فرهنگی خود می‌شناسند. این میراث فرهنگی ناملموس که از نسلی به نسل دیگر منتقل می‌شود، پیوسته توسط جوامع و گروه‌ها در پاسخ به محیط، تعامل با طبیعت و تاریخشان بازآفرینی می‌شود و حس هویت و تداوم را برایشان به ارمغان می‌آورد، بدین ترتیب احترام به تنوع فرهنگی و خلاقیت بشری را ترویج می‌کند. در اهداف کنوانسیون<sup>۲</sup> که در خصوص میراث فرهنگی ناملموس توسط یونسکو<sup>۳</sup> ارائه شده است، تنها به آن‌گونه از میراث فرهنگی ناملموس توجه می‌شود که با اسناد بین‌المللی موجود حقوق بشر، شرایط احترام متقابل میان جوامع، گروه‌ها و افراد و نیز توسعه پایدار هماهنگ باشد. میراث فرهنگی ناملموس، در زمینه‌های زیر جلوه‌گر می‌شود:

الف - سنت‌ها و بیان‌های شفاهی، شامل زبان به‌عنوان محملی<sup>۳</sup> برای میراث فرهنگی ناملموس؛

ب - هنرهای اجرایی؛

### 1. Intangible Cultural Heritage (ICH)

۲. سازمان آموزشی، علمی، و فرهنگی ملل متحد: United Nations Educational Scientific and Cultural Organization (UNESCO)

یکی از سازمان‌های وابسته به سازمان ملل متحد است که در ۴ نوامبر ۱۹۴۶ تأسیس شد و در ۱۶ نوامبر ۱۹۴۶، چهل‌وشش کشور از جمله ایران اساس‌نامه آن را امضا کردند. یونسکو در بند اول این اساس‌نامه هدف از تشکیل این سازمان را چنین بیان می‌دارد: کمک به استقرار صلح و امنیت از طریق ترویج همکاری میان ملت‌ها در زمینه‌های آموزش، علوم و فرهنگ به‌منظور افزایش احترام همگان به عدالت، حاکمیت قانون، حقوق بشر و آزادی‌های اساسی برای همه، فارغ از تفاوت‌های نژادی، جنسیت، زبان و مذهب مطابق با منشور ملل متحد.

3. vehicle

ج - رفتارهای اجتماعی، مراسم مذهبی و جشن‌ها؛

د - دانش‌ها و رفتارهای وابسته به طبیعت و عالم؛

ه - صنعت‌گری سنتی (فنون و مهارت‌های ساخت صنایع دستی).

میراث فرهنگی ناملموس یک عامل مهم و در عین حال شکننده می‌باشد. بسیاری از تجلیات و مظاهر این میراث با تهدید روبه‌رو است. به‌عنوان مثال خطر عدم‌حمایت، درک ارزش و فهم. اگر میراث فرهنگی ناملموس پرورده نشود با خطر از دست‌رفتن همیشگی و یا انجماد، به‌مثابه‌ی یک نوع عمل به گذشته، مواجهه می‌شود. برای پاسداری و زنده نگاه‌داشتن، میراث فرهنگی ناملموس می‌باید فعال باقی بماند و به‌طور منظم در درون جوامع و میان نسل‌ها بدان عمل شود و موضوع یادگیری باشد است (متون ابتدایی کنوانسیون ۲۰۰۳ برای پاسداری از میراث فرهنگی ناملموس<sup>۱</sup>، ۲۰۱۴: ۵-۶).

اگر از زبان به‌عنوان یک میراث فرهنگی ناملموس یاد کنیم آنچه که در این رابطه مهم است، زبان‌های در خطر است. یونسکو از چند منطقه که دارای زبان‌های در معرض خطر هستند یاد کرده است؛ از جمله:

آفریقای زیر صحرا؛

آفریقای شمالی و خاورمیانه؛

اروپا و قفقاز؛

آسیای غربی و مرکزی؛

آسیای شمال شرقی؛

هند و هیمالیا (اطلس زبان‌های در خطر دنیا<sup>۲</sup>، ۲۰۱۰: ۹).

ایران به‌عنوان کشوری که در منطقه‌ی آسیای غربی و مرکزی واقع است، جزء آن دسته از کشورهاست که برخی از گونه‌های زبانی‌اش در معرض خطر می‌باشد.

### ۳. زبان‌های ایرانی<sup>۳</sup> و زبان‌های ایران

در مقام یک معرفی اجمالی باید بدانیم بین زبان‌های ایرانی و زبان‌هایی که در ایران تکلم می‌شود باید تفاوت قائل شد. زبان‌های ایرانی دسته‌ای از زبان‌های هندواروپایی هستند که باهم پیوند نزدیک دارند و اصل آنها به زبان واحدی یعنی زبان ایران باستان که با زبان قدیم هندیان آریایی نزدیکی بسیار داشته، می‌پیوندد. قبایل کهنی که در پایان هزاره‌ی دوم و آغاز هزاره‌ی اول قبل از میلاد در آسیای مرکزی و در سرزمین‌های مجاور زندگی می‌کردند و قدیمی‌ترین آثار ادبی زبان ایرانی یعنی اوستا را به‌وجود آوردند خود را «آریا» می‌نامیدند. این واژه در خود اوستا (به شکل a'rya) و در نام‌های قبایل ایرانی زبان و اقوامی که در پایان هزاره‌ی دوم و آغاز هزاره‌ی اول قبل از میلاد از مرزهای آسیای مرکزی به داخل ایران حرکت کردند و نیز در

1. Basic Texts of the 2003 Convention for the Safeguarding of the Intangible Cultural Heritage, 2014

2. Atlas of the World's Languages in Danger 2010

3. Iranian languages

دشت‌های کناره‌های دریای سیاه مستقر شدند، دیده می‌شود (ارانسکی، ۱۳۷۸: ۳۲). منظور از زبان‌های ایرانی گروهی از زبان‌های هم‌خانواده است که با زبان‌های هندوآریایی، شاخه‌ی هندوایرانی یا آریایی خانواده‌ی زبان‌های هندواروپایی را تشکیل می‌دهند. این اصطلاح زبان‌شناختی از نام ایران منطقه‌ای پهناور و تقریباً بدون مرزهای فرهنگی مشخص گرفته شده است یعنی منطقه‌ای که در روزگار باستان، زبان‌های ایرانی در آن به کار می‌رفته است (اشمیت، ۱۳۸۲: ۲۳). پرمون معتقد است پهنه‌ای که مرزهای کنونی کشور جمهوری اسلامی ایران را در درون خود محصور دارند، به هیچ‌وجه، منطبق بر گسترده رواج گونه‌های زبانی ایرانی نیست. گونه‌های نوی شرقی، تقریباً به‌تمامی خارج از این حوزه واقع‌اند و شماری از گونه‌های نوی غربی نیز در کشورهای دیگر، با درجاتی از گسترش رواج دارند. در درون کشور نیز بخشی چشم‌گیر از جغرافیای زبانی به‌گونه‌های غیرهندوایرانی (براهویی، ارمنی، گرجی و غیره) حتی غیر هندواروپایی (ترکی، ترکمنی، عربی، آشوری، عبری و غیره) اختصاص دارد. بر این اساس، منطقی است در ارجاع به جغرافیای زبانی ایرانی از «گونه‌های زبانی ایران» یاد کنیم و نه «گونه‌های زبانی ایرانی» تا از این طریق، کل گستره‌ی فرهنگی محصور در درون مرزهای کشور ایران مورد تأکید قرار گیرد (۱۳۸۷: ۳۸۱). یونسکو در تقسیم‌بندی زبان‌های در خطر در اطلس زبان‌های در خطر به این نکته توجه نکرده است که زبان مندایی که نام برده است و آن را جزء زبان‌های در خطر ایرانی معرفی می‌کند، صرفاً این زبان فقط در ایران صحبت می‌شود و گویش‌ور دارد نه این که در تقسیم‌بندی زبان‌های ایرانی قرار گیرد.

#### ۴. مبانی زبان‌های درخطر

نظریه‌های زبان‌شناختی نوین در خصوص زوال زبان‌ها با نظریات فیشمن و دیگران (۱۹۷۷) شروع شد و با آرای ایچسون (۱۹۸۱)، فسولد (۱۹۸۴)، هاگن (۱۹۸۵) و ... تمرکز و توجه سایر پژوهشگران را به خود جلب کرد. غالباً جامعه‌شناسان زبان، زبان را یک موجود زنده می‌دانند که بعد از دوران طفولیت به دوره‌ی رشد می‌رسند و به مرور زمان به دلایل مختلفی روال زوال را که منجر به از بین‌رفتگی همیشگی می‌شود طی می‌کنند و زبان دیگری جایگزین آن می‌شود (ایچسون، ۱۹۹۵: ۱۹۷). از این روند تحت عنوان تغییر زبان<sup>۱</sup> یاد می‌شود. به نقل از بشیرنژاد می‌توان گفت تغییر زبان فرایندی است که افراد جامعه‌ی دوزبانه یا چندزبانه از زبان بومی خود به نفع زبان دیگری دست بکشند که گاه از آن با عنوان «مرگ زبان» نیز یاد می‌شود. مرگ زبان در بیش‌تر موارد به ناگهان اتفاق نمی‌افتد، بلکه تدریجی است. در این حالت ابتدا پدیده‌ای اتفاق می‌افتد که آن را تغییر زبانی می‌نامند (هادسون، ۱۹۸۰؛ کاپلند و جوارسکی، ۱۹۹۷). اصطلاح مرگ زبانی زمانی استفاده می‌شود که اعضای آن جامعه‌ی زبانی تنها گویش‌وران آن زبان در دنیا باشند (فسولد، ۱۹۸۷: ۲۱۳). همچنین بشیرنژاد در ادامه‌ی این موضوع اذعان دارد طبیعتاً مرگ یک زبان با مرگ آخرین گویش‌ور آن زبان محقق می‌شود. زبان‌شناسان اصطلاحات معادل دیگری برای این پدیده ذکر می‌کنند که از جمله‌ی آنها

«حذف زبان» و انقراض زبان هستند. نقطه‌ی مقابل مرگ زبان، پدیده‌ی «بقا یا حفظ زبان» است و این زمانی است که اعضای یک جامعه‌ی زبانی تصمیم می‌گیرند به استفاده از زبان آباو اجدادی خود ادامه دهند. اصولاً حفظ و نگهداری زبان در جامعه‌ی دو یا چندزبانه مفهوم پیدا می‌کند؛ چرا که در مورد اعضای جامعه‌ای که فقط یک زبان می‌دانند و زبان دیگری را نیز نمی‌آموزند، اصطلاح حفظ زبان معنایی ندارد. زبان‌شناسان در بررسی این پدیده، تقسیم‌بندی‌های خاصی به عمل آورده‌اند و از اصطلاحات خاصی برای این دسته‌بندی‌ها استفاده می‌کنند. آنان زبانی که هیچ گویش‌ور بومی نداشته باشد را زبان مرده یا زبان خاموش می‌نامند، زبانی که در میان نسل جوان و خردسال، هیچ گویش‌ور بومی ندارد، یک زبان روبه‌زوال نامیده‌اند و زبانی که گویش‌وران بومی آن بسیار اندک هستند، یک زبان در معرض خطر تلقی می‌کنند (ردیش، ۲۰۰۱). زبان‌شناسان عوامل مختلفی را در حفظ یا زوال یک زبان مؤثر می‌دانند که مهم‌ترین و اصلی‌ترین آنها را می‌توان مهاجرت، شهرنشینی، صنعتی‌شدن، سیاست‌های خاص و اعمال شده از سوی دولت‌ها، زبان آموزش و سوادآموزی در نظام آموزشی کشور، اعتبار اجتماعی زبان‌ها و تعداد گویش‌وران یک زبان ذکر کرد (فسولد، ۱۹۸۷: ۲۱۷). بشیرنژاد می‌نویسد دیوید کریستال (۲۰۰۰) حوادث و بلایای طبیعی را نیز به این مجموعه اضافه می‌کند. وی معتقد است که رخداد برخی از بلایای طبیعی مثل زلزله، سونامی و شیوع بیماری‌های واگیردار و مهلک که منجر به مرگ دسته جمعی افراد یک منطقه یا قبیله می‌شود نیز می‌تواند در انقراض زبان‌ها مؤثر باشد. در کنار این عوامل جنگ‌ها و درگیری‌های به‌ویژه جنگ‌هایی که تسویه‌حساب‌های قومی-ملیتی بوده و پاک‌سازی نژادی را در پی دارند را نیز نباید نادیده گرفت؛ اما مهم‌تر از همه، آن‌چه امروزه در میان علل مرگ زبان در مرکز توجه قرار دارد پدیده‌ای است که به «جهانی‌شدن»<sup>۱</sup> موسوم است و خود معلول تحولات سریع اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی در سال‌های اخیر و به‌ویژه گسترش وسایل ارتباط جمعی و توسعه‌ی رسانه‌های گروهی و ابزارهای اطلاع‌رسانی در سرتاسر دنیاست. اگرچه زمان مرگ زبان‌ها را نمی‌شود به‌دقت تعیین نمود، راز مرگ آنها را شاید بشود تعیین کرد. شرط اساسی و لازم برای حذف یک زبان وجود دوزبانگی در سطح یک جامعه است؛ این شرط به‌تنهایی کافی نیست زیرا جوامع دوزبانه‌ای هم بودند که برای دهه‌ها و قرن‌های متوالی به‌صورت دوزبانه باقی مانده‌اند (مدرسی، ۱۳۶۸). اصولاً تمامی موارد حذف زبان‌ها در بین دو نسل مختلف اتفاق می‌افتند، به این معنی که یک نسل دوزبانه، یکی از دو زبان را برحسب شرایط موجود به نسل بعد منتقل می‌کند. از این‌رو می‌توان خانواده را نقطه‌ی آغاز فرایند مرگ زبان دانست، زیرا این والدین هستند که یکی از دو زبان را برای آموزش به فرزندان و انتقال به نسل بعد برمی‌گزینند. تغییر یا حذف زبان نتیجه‌ی جمعی و بلندمدت انتخاب کاربرد یک زبان است و انتخاب یک زبان از میان دو یا چند زبان نیز تحت نگرش‌های زبانی افراد قرار دارد. مجموعه‌ای از عوامل برونی زبانی (اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی) نگرش افراد را نسبت به یک زبان شکل می‌دهند که این نگرش‌ها می‌توانند در انتخاب و استفاده‌ی گویش‌وران از آن زبان و آموزش آن به فرزندان تعیین‌کننده باشد. از میان دو

زبان در یک جامعه، زبانی بخت بیشتری برای بقا دارد که از اعتبار اجتماعی بالاتری برخوردار باشد و برخوردار از اعتبار و وجهه‌ی اجتماعی نیز مستلزم برخوردار از پشتوانه‌های سیاسی، اقتصادی، نظامی، علمی، ادبی و غیره است. با این تفصیل احتمال بقای یک زبان اقلیت و محلی - که فاقد نظام نوشتاری و آثار ادبی و هنری قابل توجه است - در مقابل زبان اکثریت و رسمی که دارای آثار ادبی و هنری فراوان است، اندک است (بشیرنژاد، ۱۳۸۶: ۱۱۸).

یونسکو بر اساس شدت تهدید، زبان‌ها را به ۷ دسته زیر تقسیم می‌کند، خواننده این اثر ممکن است در منابع دیگر، با اسامی و تعاریف دیگری از رده‌بندی خطرپذیری زبان‌های جهان مواجه شود، لازم به ذکر است از آنجا که یکی از چارچوب‌های این پژوهش LVE یونسکو می‌باشد، نگارندگان بر اساس تعریف و تقسیم‌بندی یونسکو به معرفی آنها می‌پردازند.

۱- زبان‌های ایمن<sup>۱</sup>: این زبان توسط همه‌ی نسل‌ها صحبت می‌شود و هیچ نشانه‌ای از تهدید زبانی به وسیله زبان‌های دیگر وجود ندارد و انتقال نسلی در این زبان بدون وقفه به نظر می‌رسد.

۲- زبان‌های ناایمن<sup>۲</sup>: بیشتر کودکان ولی نه همه‌ی آنها یا خانواده‌ای از یک جامعه‌ی خاص به‌عنوان زبان اول از آن استفاده می‌کنند اما ممکن است به حوزه‌های اجتماعی خاص مانند خانه -جایی که کودکان با والدینشان یا پدربزرگ و مادر بزرگ‌هایشان تعامل دارند- محدود شده باشد.

۳- زبان‌های آسیب‌پذیر<sup>۳</sup>: این زبان توسط همه‌ی نسل‌ها و در بیشتر موارد استفاده می‌شوند و وقفه‌ای در انتقال زبان از یک نسل به نسل بعدی وجود ندارد ولی در عین حال وجود چند زبانی یا یک زبان حاکم در جامعه موجب شده است زبان مورد نظر با تهدید روبه‌رو شود.

۴- زبان‌های قطعاً در خطر<sup>۴</sup>: این زبان، دیگر به‌عنوان زبان مادری در خانه آموزش داده نمی‌شود. البته والدین هنوز ممکن است به زبان خود با کودکانشان صحبت کنند ولی کودکان لزوماً به همان زبان، پاسخ والدین خود را نمی‌دهند.

۵- زبان‌های به شدت در خطر<sup>۵</sup>: این زبان فقط توسط سالخوردگان خانواده و نسل‌های قبلی صحبت می‌شود. والدین نیز هنوز تا حدودی زبان را درک می‌کنند ولی با کودکانشان و یا با یکدیگر به آن صحبت نمی‌کنند.

- 
1. safe
  2. unsafe
  3. stable yet threatened, , Vulnerable
  4. Definitely Endangered
  5. Severely Endangered

۶- زبان‌های به طرز وخیم در خطر<sup>۱</sup>: این زبان فقط توسط اجداد و پیشینیان صحبت می‌شده است و نسل‌های جدید در تعاملات خود از آن استفاده نمی‌کنند. نسل قبلی نیز فقط واژه‌هایی از آن را به خاطر می‌آورد ولی در محاوراتشان از آن استفاده نمی‌کند، چراکه افراد بسیار کمی قادر به فهم آن زبان هستند.

۷- زبان‌های نابود شده<sup>۲</sup>: هیچ‌کس نمی‌تواند به این زبان‌ها صحبت کند یا آن را به خاطر آورد (زبان زنده و در خطر، ۲۰۰۳: ۷-۱۰).

### ۵. پرسش پژوهش

۱- بر اساس سند اجرایی یونسکو، گونه‌های زبانی: اغشتی<sup>۳</sup>، طالقانی<sup>۴</sup>، سنگانی<sup>۵</sup>، جابانی<sup>۶</sup>، افجه‌ای<sup>۷</sup> در استان پایتخت (تهران) و استان مجاور پایتخت (استان البرز) و گونه‌های زبانی لارکی<sup>۸</sup>، قشمی<sup>۹</sup>، گهگمی<sup>۱۰</sup>، ملکی‌گالی<sup>۱۱</sup>، بستکی<sup>۱۲</sup> در استان خیلی دورتر از پایتخت (استان هرمزگان)، در چه طیفی از رتبه‌بندی زبان‌های در خطر (ایمن، نالیمن، آسیب‌پذیر، قطعاً در خطر، به شدت در خطر، به طرز وخیم در خطر، نابود شده) قرار دارند؟

۲- مهم‌ترین عوامل که جایگاه گونه‌های زبانی را در طیف رتبه‌بندی زبان‌های در خطر معین می‌کند، کدامند؟

### ۶. فرضیه تحقیق

۱- بر اساس سند اجرایی یونسکو شدت در خطر بودن ده گونه‌ی زبانی منتخب بدین حالت است:

به طرز وخیم در خطر > به شدت در خطر > قطعاً در خطر

افجه‌ای، اغشتی > جابانی، طالقانی > قشمی، ملکی‌گالی، لارکی، گهگمی، سنگانی، بستکی

۲- فاصله از پایتخت، عوامل جغرافیایی و وضعیت اقتصادی بومی‌زبانان مهم‌ترین عوامل در طیف رتبه‌بندی زبان‌های در خطر می‌باشد.

1. Critically Endangered
2. extinct
3. ?æGæft<sup>h</sup>i
4. t<sup>h</sup>aleGani
5. sængani
6. dʒabani
7. ?æfdʒei
8. laræc<sup>h</sup>i
9. Gæfmi
10. jæhk<sup>h</sup>omi
11. molc<sup>h</sup>i gali
12. bæst<sup>h</sup>æc<sup>h</sup>i

## ۷. چارچوب تحقیق

به منظور رتبه‌بندی میراث زبانی در خطر، معتبرترین (اگر نگوئیم تنها) سند اجرایی یونسکو که حاصل تلاش گروه تخصصی موقت یونسکو<sup>۱</sup> در حوزه‌ی زبان‌های در خطر است Language Vitality and Endangerment نام دارد که به اختصار به آن LVE نیز می‌گویند که در حقیقت یک چارچوب اجرایی می‌باشد. این سند در نشست تخصصی بین‌المللی یونسکو در مارس ۲۰۰۳، به منظور تحقق برنامه‌ی پاسداری از زبان‌های در خطر در بخش ارائه‌ی تعریفی برای تهدید زبانی و تنظیم معیارهای تشخیص تهدید زبانی تصویب گردیده است. هدف از تدوین سند LVE یاری رساندن به اجتماعات زبانی، زبان‌شناسان، آموزگاران و حوزه‌های مدیریتی از جمله دولت‌ها، حکومت‌های محلی و سازمان‌های بین‌المللی در ارتباط با ارتقای توان ادامه‌ی حیات در زبان‌های در خطر عنوان شده است.

## ۸. روش اجرای تحقیق

نگارندگان ۵ گونه‌ی<sup>۲</sup> زبانی از ۵ روستا در محدوده‌ی دو استان تهران (پایتخت) و البرز (مجاور پایتخت) و ۵ گونه‌ی زبانی از ۵ روستا در محدوده‌ی استان هرمزگان (دورتر از پایتخت) انتخاب نمودند تا سند یونسکو را بر روی ده گونه‌ی زبانی در سه استان ایران به صورت یک تحقیق میدانی مورد ارزیابی قرار دهند. در مقام یک معرفی اجمالی وضعیت جغرافیایی آبادی‌هایی که به گونه‌های زبانی منتخب این پژوهش تکلم می‌گردد، در زیر اعلام می‌گردد:

جدول ۱: وضعیت جغرافیایی گونه‌های زبانی منتخب

ردیف	گونه‌ی زبانی	آبادی	دهستان	بخش	شهرستان	استان
۱	اغشتی	اغشت	برغان	چندار	ساوجبلاغ	البرز
۲	طالقانی	کولج پایین	پایین طالقان	مرکزی	طالقان	البرز
۳	سنگانی	سنگان پایین	سولقان	کن	تهران	تهران
۴	جابانی	جابان	ابرشویه	مرکزی	دماوند	تهران
۵	افجه‌ای	افجه	لواسان کوچک	لواسانات	شمیرانات	تهران
۶	لارکی	لارک شهری	لارک	شهاب	قشم	هرمزگان
۷	قشمی	گوران	سَلَخ	شهاب	قشم	هرمزگان
۸	گهگمی	گهگم	طارم	مرکزی	حاجی آباد	هرمزگان
۹	ملکی گالی	درجک	جکدان	مرکزی	بشاگرد	هرمزگان
۱۰	بستکی	دهنگ	گوده	مرکزی	بستک	هرمزگان

### ۱. UNESCO Ad Hoc

۲. حیطه‌ی تحقیق نگارندگان فارغ از بحث و تعریف لهجه، گویش و زبان به گونه‌ی زبانی در هر آبادی اختصاص یافته است که هر کدام می‌توانند گویش یا لهجه یا زبان به حساب آید اما نگارندگان تحت عنوان گونه‌ی زبانی با آنها برخورد کرده‌اند با فرض بر این موضوع که هرگونه‌ی زبانی زیرشاخه‌های گویش یا زبانی هستند اما می‌توانند در نوع خود منحصر به فرد باشند. بالواقع شدت تهدید زبانی این موارد مشخص شود، تا حدی می‌توان شدت تهدید زبان مادری آن گونه‌ی زبانی را پیش‌بینی کرد.



برای آنکه خواننده این اثر از نقشه‌ی جغرافیایی این مناطق نیز آگاهی یابد، یک شمای کلی در زیر آورده شده است:



شکل ۱: نقشه‌ی استان تهران و البرز



شکل ۲: نقشه‌ی استان هرمزگان

در سند LVE، برای برآورد شدت تهدید زبانی و فوریت مستندسازی زبانی به بررسی نه شاخص (معیار یا عامل) در قالب سه زیرمجموعه پیشنهاد شده است:

- ۱- ارزیابی توان ادامه‌ی حیات در زبان و وضعیت تهدید: ۶ شاخص؛
  - انتقال بین‌نسلی؛
  - جمعیت دقیق گویش‌وران؛
  - نسبت تعداد گویش‌وران به کل جمعیت اجتماع زبانی؛
  - گذر میان حوزه‌های کاربرد زبان؛
  - واکنش در قبال حوزه‌ها و رسانه‌های نو؛

- مواد زبانی موجود در بحث آموزش و سوادآموزی.
  - ۲- وجهی زبان: ۲ شاخص؛
  - نگرش‌ها و سیاست‌های زبانی دولتی و اجرایی، شامل مرتبه و حوزه‌های کاربرد رسمی؛
  - نگرش بومی‌زبانان به زبان بومی.
  - ۳- فوریت مستندسازی: ۱ شاخص.
  - نوع و کیفیت مستندسازی‌های انجام شده.
- یونسکو تأکید می‌کند که کل مجموعه‌ی نه‌عضوی فوق، معیار برآورد شدت تهدید و فوریت مستندسازی است و شاخص‌های پیشنهادی نبایستی به‌صورت منفرد به‌کار گرفته شوند؛ در زیر نمونه‌ی خام این سند آورده شده است.

### جدول ۲: نمونه‌ی سند خام یونسکو

الف- ارزیابی توان ادامه‌ی حیات در زبان و وضعیت تهدید: ۶ شاخص؛		
۱- انتقال بین‌نسلی:		
شدت تهدید	سطح	وضعیت جمعیت گویش‌وران
ایمن	۵	زبان در سطح تمامی گروه‌ها و از جمله کودکان، کاربرد دارد.
ناایمن	۴	دسته‌ای از کودکان، زبان را در تمامی حوزه‌ها به‌کار نمی‌برند. همه‌ی کودکان زبان را در حوزه‌های محدود به‌کار می‌برند.
قطعاً در خطر	۳	کاربران زبان، عمدتاً، نسل والد و ماقبل آن هستند.
به شدت در خطر	۲	کاربران زبان، عمدتاً نسل والد بزرگ و ماقبل آن هستند.
به طرز وخیم در خطر	۱	تعداد بسیار کمی از گویش‌وران، که نسل نیا هستند، زبان را می‌دانند.
ناپود شده	۰	گویش‌وری باقی‌نمانده است.
۲- جمعیت دقیق گویش‌وران:		
برای برآورد شدت تهدید این شاخص، کافی است آمار از بزرگی اجتماع زبانی محاط تهیه شود. در این برآورد، اجتماعات زبانی کوچک‌تر، بیش‌تر از اجتماعات بزرگ‌تر در معرض خطر قلمداد خواهند شد.		
۳- نسبت تعداد گویش‌وران به کل جمعیت اجتماعی:		
شدت تهدید	سطح	نسبت تعداد گویش‌وران به کل جمعیت
ایمن	۵	همه به زبان بومی تکلم کنند.
ناایمن	۴	تقریباً همه به زبان بومی تکلم کنند.
قطعاً در خطر	۳	اکثریتی به زبان بومی تکلم کنند.
به شدت در خطر	۲	اقلیتی به زبان بومی تکلم کنند.
به طرز وخیم در خطر	۱	تعداد بسیار کمی به زبان بومی تکلم کنند.
ناپود شده	۰	هیچ به زبان بومی تکلم کنند.
۴- گذر میان حوزه‌های کاربرد زبان:		

حوزه‌ها و کارکردها	سطح	شدت تهدید
زبان بومی در همه‌ی حوزه‌ها و در تمامی کارکردها کاربرد دارد.	۵	کاربرد کامل
دو یا چند زبان در بیش‌تر حوزه‌های اجتماعی و در اکثر کارکردها مورد استفاده‌اند؛ معمولاً زبان آباواجدادی در حوزه‌ی روابط عمومی حضور ندارد.	۴	چندزبانگی متعادل
زبان آباواجدادی در حوزه‌ی خانواده و در شماری از کاربردها مورد استفاده دارد؛ معذک زبان زیرین در حال نفوذ به حوزه‌ی خانواده است.	۳	حوزه‌های رو به زوال
زبان بومی در حوزه‌های اجتماعی محدودی کاربرد دارد و کارکردهای چندگانه دارد.	۲	حوزه‌های محدود یا رسمی
زبان بومی، تنها در حوزه‌های بسیار محدود کاربرد دارد و کارکردهای آن نیز، بسیار محدودند.	۱	حوزه‌های بسیار محدود
زبان بومی هیچ کاربردی در هیچ حوزه‌ای ندارد.	۰	ناپود شده

۵- واکنش در قبال حوزه‌ها و رسانه‌های نو:

حوزه‌ها و رسانه‌های نوی نفوذی به محدوده‌ی زبان در خطر	سطح	شدت تهدید
زبان بومی در کلیه‌ی حوزه‌های نو کاربرد دارد.	۵	پویا
زبان بومی در اکثر حوزه‌های نو کاربرد دارد.	۴	مقاوم، فعال
زبان بومی در بسیاری از حوزه‌های نو کاربرد دارد.	۳	پذیرا
زبان بومی در برخی از حوزه‌های نو کاربرد دارد.	۲	در تلاش
زبان بومی تنها در معدودی از حوزه‌های نو کاربرد دارد.	۱	با کمترین سهم
زبان بومی در هیچ حوزه‌ی نویی کاربرد ندارد.	۰	غیرفعال

۶- مواد زبانی موجود در بحث آموزش و سوادآموزی:

مواد نوشتاری موجود	سطح
رسم‌الخطی تثبیت شده و سنتی برای سوادآموزی برقرار است. اجتماع زبانی به عرصه‌های ادبیات داستانی و نوین و فعالیت مداوم رسانه‌ای دسترسی دارد. زبان بومی در امور اجرایی و آموزش‌وپرورش کاربرد دارد.	۵
مجموعه‌ای از مواد نوشتاری موجود است و کودکان به یادگیری نظام نوشتاری مربوطه رغبت نشان می‌دهند. شکل نوشتاری زبان بومی در امور اجرایی کاربرد ندارد.	۴
مواد نوشتاری موجودند و امکان ارائه‌ی آنها به کودکان در مدارس برقرار است؛ اما مواد چاپی برای ارتقای وضعیت سوادآموزی در دسترس نیستند.	۳
مواد نوشتاری موجودند اما مورد استفاده‌ی برخی اعضای اجتماع زبانی‌اند. دیگران صرفاً ارزش نمادین آنها را درمی‌یابند. آموزش زبان بومی در جمع برنامه‌های مدارس گنجانده نشده است.	۲
نظام نوشتاری در دسترس اجتماع زبانی است و مطالبی با آن نوشته می‌شود.	۱
اجتماع زبانی محاط نظام نوشتاری ندارد.	۰

ب- وجهه‌ی زبان: ۲ شاخص؛

۱- نگرش‌ها و سیاست‌های زبانی دولتی و اجرایی، شامل مرتبه و حوزه‌های کاربرد رسمی:

نگرش مجامع رسمی به زبان	سطح	میزان حمایت
از تمامی زبان‌ها حفاظت می‌شود.	۵	حمایت برابر
به زبان‌های زیرین، در وهله‌ی نخست، به‌عنوان زبان‌هایی با گسترده‌های کاربرد اختصاصی نگریسته شده، از آنها حفاظت می‌شود. زبان زیرین زبانی پر وجهه است.	۴	حمایت نابرابر

گرایش غیرفعال	۳	در ارتباط با زبان‌های اقلیت‌ها سیاست رسمی‌ای موجود نیست. زبان زیرین در گستره‌های عمومی زبان غالب است.
گرایش فعال	۲	دولت گرایش به زبان زیرین را ترغیب می‌کند. از زبان‌های در اقلیت حمایتی به عمل نمی‌آید.
گرایش با اعمال قدرت	۱	زبان زیرین تنها زبان رسمی است و زبان‌های زیرین نه مورد توجهند و نه مورد حمایت.
ممنوعیت	۰	از کاربرد زبان‌های زیرین جلوگیری می‌شود.

۲- نگرش بومی‌زبانان به زبان بومی:

سطح	نگرش اعضای اجتماع زبانی به زبان بومی
۵	برای کلیه اعضای اجتماع زبان بومی ارزشمند است و ایشان تمایل به ارتقای آن دارند.
۴	اکثر اعضای اجتماع زبانی از بحث حفظ زبان بومی حمایت می‌کنند.
۳	بسیاری از اعضای اجتماع زبانی از بحث حفظ زبان بومی حمایت می‌کنند و بسیاری نیز بی‌نظرند یا حتی تمایل به تغییر زبان دارند.
۲	برخی از اعضای اجتماع زبانی از بحث حفظ زبان بومی حمایت می‌کنند و برخی نیز بی‌نظرند یا حتی تمایل به تغییر زبان دارند.
۱	تنها معدودی از اعضای اجتماع زبانی از بحث حفظ زبان بومی حمایت می‌کنند و بسیاری نیز بی‌نظرند یا حتی تمایل به تغییر زبان دارند.
۰	برای هیچ‌کس حذف زبان بومی اهمیتی ندارد؛ همه ترجیح می‌دهند زبان زیرین جایگزین شود.

ج- فوریت مستندسازی: ۱ شاخص؛

۱- نوع و کیفیت مستندسازی‌های انجام شده:

نوع مستندسازی	سطح	گستره‌ی مستندسازی
برتر	۵	مجموعه‌ای غنی از کتاب‌های جامع دستور زبان، فرهنگ‌های لغت، متون مفصل و جریانی پیوسته از مواد زبانی موجود است. مواد سمعی و بصری فراوانی به‌صورت زیرنویسی شده با کیفیت بالا در دسترس هستند.
خوب	۴	دست کم یک کتاب دستور زبان خوب، معدودی فرهنگ لغت، متن ادبی و غیرادبی و رسانه‌های جمعی فعال در دسترس هستند. مواد سمعی و بصری کافی با زیرنویس و با کیفیت مطلوب موجودند.
چشم‌گیر	۳	یک کتاب دستور زبان مناسب، برخی فرهنگ لغت، پاره‌ای متون قابل مشاهده‌اند اما رسانه‌ی جمعی فعال موجود نیست. مشاهده‌ی برخی مواد سمعی و بصری ضبط شده، کم‌وبیش زیرنویسی شده و با درجات کیفی گوناگون، دور از انتظار نیست.
مختصر	۲	برخی اشارات دستوری، فهرست‌های واژگان و متون در دسترس هستند که به کار پژوهش‌های زبانی محدود می‌آیند، معذک گستره‌ی در برگیرندگی آنها ناکافی است. ممکن است موادی سمعی و بصری در کیفیت‌هایی متنوع و یا بدون زیرنویس نیز در دسترس باشند.
ناکافی	۱	تنها معدودی اشاره‌ی دستوری، فهرست واژگانی کوچک و متن مختصر موجودند. مواد سمعی و بصری موجود نیستند یا اگر ماده‌ای از این دست مشاهده شود، کیفیت مطلوب ندارد و زیرنویسی نشده است.
نبود مستندات	۰	ماده‌ی زبانی‌ای موجود نیست.



											که نسل نیا هستند، زبان را می‌دانند.		
											گوش‌وری باقی‌نمانده است.	۰	نابود شده
۲- نسبت تعداد گوش‌وران به کل جمعیت اجتماع زبانی:													
بستگی	ملکی گالی	گهگمی	قشمی	لارکی	افجه‌ای	جابانی	سنگانی	طالقانی	اغشتی	نسبت تعداد گوش‌وران به کل جمعیت	سطح	شدت تهدید	
✓	✓	✓	✓	✓						همه به زبان بومی تکلم کنند.	۵	ایمن	
							✓			تقریباً همه به زبان بومی تکلم کنند.	۴	ناایمن	
										اکثریتی به زبان بومی تکلم کنند.	۳	قطعا درخطر	
					✓	✓		✓		اقلیتی به زبان بومی تکلم کنند.	۲	به شدت درخطر	
									✓	تعداد بسیار کمی به زبان بومی تکلم کنند.	۱	به طرز وخیم درخطر	
										هیچ به زبان بومی تکلم کنند.	۰	نابود شده	
۴- گذر میان حوزه‌های کاربرد زبان:													
بستگی	ملکی گالی	گهگمی	قشمی	لارکی	افجه‌ای	جابانی	سنگانی	طالقانی	اغشتی	حوزه‌ها و کارکردها	سطح	شدت تهدید	
	✓									زبان بومی در همه‌ی حوزه‌ها و در تمامی کارکردها کاربرد دارد.	۵	کاربرد کامل	

							✓		دو یا چند زبان در بیشتر حوزه‌های اجتماعی و در اکثر کارکردها مورد استفاده‌اند؛ معمولاً زبان آباو اجدادی در حوزه‌ی روابط عمومی حضور ندارد.	۴	چندزبانگی متعادل
✓			✓	✓				✓	زبان آباو اجدادی در حوزه‌ی خانواده و در شماری از کاربردها مورد استفاده دارد؛ معذک زبان زیرین در حال نقوذ به حوزه‌ی خانواده است.	۳	حوزه‌های رو به زوال
		✓					✓		زبان بومی در حوزه‌های اجتماعی محدودی کاربرد دارد و کارکردهای چندگانه دارد.	۲	حوزه‌های محدود یا رسمی
					✓			✓	زبان بومی، تنها در حوزه‌های بسیار محدود کاربرد دارد و کارکردهای آن نیز، بسیار معدودند.	۱	حوزه‌های بسیار محدود
									زبان بومی هیچ کاربردی در	۰	ناپود شده





										عرصه‌های ادبیات داستانی و نوین، و فعالیت مداوم رسانه‌ای دسترسی دارد. زبان بومی در امور اجرایی و آموزش و پرورش کاربرد دارد.
										۴ مجموعه‌ای از مواد نوشتاری موجود است و کودکان به یادگیری نظام نوشتاری مربوطه رغبت نشان می‌دهند. شکل نوشتاری زبان بومی در امور اجرایی کاربرد ندارد.
										۳ مواد نوشتاری موجودند و امکان ارائه‌ی آنها به کودکان در مدارس برقرار است؛ اما مواد چاپی برای ارتقای وضعیت سوادآموزی در دسترس نیستند.
										۲ مواد نوشتاری موجودند اما مورد استفاده‌ی برخی اعضای اجتماع زبانی‌اند. دیگران صرفاً ارزش نمادین آن‌ها را درمی‌یابند. آموزش زبان بومی در جمع برنامه‌های مدارس گنجانده نشده است.
										۱ نظام نوشتاری در دسترس اجتماع زبانی است و مطالبی با آن نوشته می‌شود.
✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	۰ اجتماع زبانی محاط نظام نوشتاری ندارد.



										به عمل نمی‌آید.		
✓	✓	✓			✓				✓	زبان زیرین تنها زبان رسمی است و زبان‌های زیرین نه مورد توجهند و نه مورد حمایت.	۱	گرایش با اعمال قدرت
										از کاربرد زبان‌های زیرین جلوگیری می‌شود.	۰	ممنوعیت
۲- نگرش بومی‌زبانان به زبان بومی:												
بستکی	ملکی گالی	گهگمی	قشمی	لارکی	افجه‌ای	جابانی	سنگانی	طالقانی	اغشتی	نگرش اعضای اجتماع زبانی به زبان بومی	سطح	
			✓							برای کلیه‌ی اعضای اجتماع زبان بومی ارزشمند است و ایشان تمایل به ارتقای آن دارند.	۵	
✓	✓	✓		✓					✓	اکثر اعضای اجتماع زبانی از بحث	۴	

										حفظ زبان بومی حمایت می‌کنند.	
										بسیاری از اعضای اجتماع زبانی از بحث حفظ زبان بومی حمایت می‌کنند و بسیاری نیز بی‌نظرند یا حتی تمایل به تغییر زبان دارند.	۳
								✓		برخی از اعضای اجتماع زبانی از بحث حفظ زبان بومی حمایت می‌کنند و برخی نیز بی‌نظرند	۲

									یا حتی تمایل به تغییر زبان دارند.	
					✓	✓		✓	تنها معدودی از اعضای اجتماع زبانی از بحث حفظ زبان بومی حمایت می‌کنند و بسیاری نیاز بی‌ظنند یا حتی تمایل به تغییر زبان دارند.	۱
									برای هیچ‌کس حذف زبان بومی اهمیتی ندارد؛ همه ترجیح می‌دهند زبان زیرین	.

											جایگزین شود.	
ج- فوریت مستندسازی: ۱ شاخص؛												
۱- نوع و کیفیت مستندسازی های انجام شده:												
بستکی	ملکی گالی	گهگمی	قشمی	لارکی	افجهای	جابانی	سگانی	طالقانی	اغشتی	گستره‌ی مستندسازی	سطح	نوع مستند سازی
										مجموعه‌ای غنی از کتاب‌های جامع دستور زبان، فرهنگ‌های لغت، متون مفصل و جریانی پیوسته از مواد زبانی موجود است. مواد سمعی و بصری فراوانی به‌صورت زیرنویسی شده با کیفیت بالا در دسترسند.	۵	برتر
										دست کم یک کتاب دستور زبان خوب، معدودی فرهنگ لغت، متن ادبی و غیرادبی و رسانه‌های جمعی فعال در دسترسند. مواد سمعی و بصری کافی با زیرنویس و با کیفیت مطلوب موجودند.	۴	خوب

									یک کتاب دستور زبان مناسب، برخی فرهنگ لغت، پاره‌ای متون قابل مشاهده‌اند اما رسانه‌ی جمعی فعال موجود نیست. مشاهده‌ی برخی مواد سمعی و بصری ضبط شده، کم‌وبیش زیرنویسی شده و با درجات کیفی گوناگون، دور از انتظار نیست.	۳	چشم‌گیر
									برخی اشارات دستوری، فهرست‌های واژگان و متون در دستر سند که به کار پژوهش‌های زبانی محدود می‌آیند، معدک گستره‌ی درب‌گیرندگی آنها ناکافی است. ممکن است موادی سمعی و بصری در کیفیت‌هایی متنوع و یا بدون زیرنویس نیز در دسترس	۲	مختصر

										باشند.		
										تنها معدودی اشاره‌ی دستوری، فهرست واژگانی کوچک و متن مختصر موجودند. مواد سمعی و بصری موجود نیستند یا اگر ماده‌ای از این دست مشاهده شود، کیفیت مطلوب ندارد و زیرنویسی نشده است.	۱	ناکافی
	✓		✓	✓					✓	ماده‌ی زبان‌ای موجود نیست.	۰	نبود مستندات

مجموع امتیازات کسب شده‌ی هر گونه‌ی زبانی از هر شاخص سند یونسکو به شرح ذیل می‌باشد:

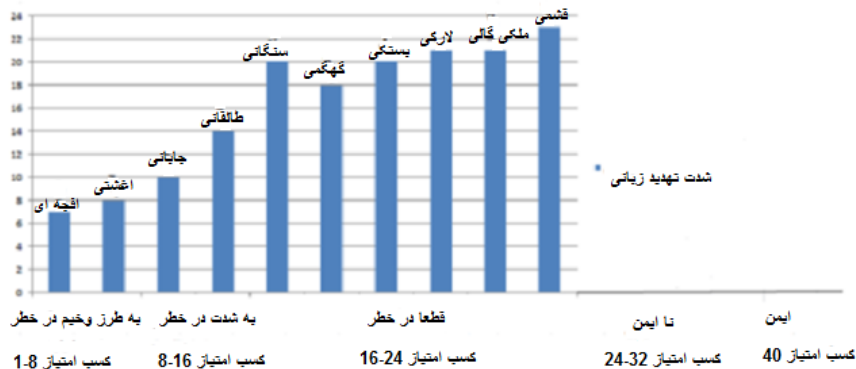
گونه‌ی زبانی افجه‌ای ۷ امتیاز؛ گونه‌ی زبانی اغشتی ۸ امتیاز؛ گونه‌ی زبانی جابانی ۱۰ امتیاز؛ گونه‌ی زبانی طالقانی ۱۴ امتیاز؛ گونه‌ی زبانی گهگمی ۱۸ امتیاز؛ گونه‌ی زبانی بستکی ۲۰ امتیاز؛ گونه‌ی زبانی سنگانی ۲۰ امتیاز؛ گونه‌ی زبانی لارکی ۲۱ امتیاز؛ گونه‌ی زبانی ملکی‌گالی ۲۱ امتیاز؛ گونه‌ی زبانی قشمی ۲۳ امتیاز.

نکته حائز اهمیت آن است که در سند یونسکو برای شاخص جمعیت دقیق گویش‌وران سطح‌بندی وجود ندارد و به تعریفی بسنده شده است، (به همین دلیل، نگارندگان در این پژوهش به جای ۹ شاخصی که در سند آمده است، ۸ شاخص را در نظر گرفته‌اند)؛ از سوی دیگر برای هر شاخص، یونسکو سطح‌بندی از ۱ تا ۵ را در نظر گرفته است، بدین منظور نگارندگان بالاترین امتیاز را برای گونه‌ی زبانی‌ای قائل هستند که در تمامی ۸ شاخص، عدد ۵ را کسب کرده‌اند: ۴۰ (۵×۸)؛ بدین منظور، در طیف رتبه‌بندی، کسب امتیاز ۴۰ که بالاترین امتیاز می‌باشد برای زبان‌های ایمن و امتیاز صفر را برای زبان‌های نابودشده (۸×۰) در نظر می‌گیرند و بر این اساس به تناسب امتیاز صفر و ۴۰ و رعایت سطح‌بندی، برای رده‌بندی شدت در خطر بودن گونه‌های زبانی چنین امتیازاتی را در نظر می‌گیرند:

زبان‌های ناایمن کسب امتیاز ۳۲ (۸×۴)، قطعاً در خطر کسب امتیاز ۲۴ (۸×۳)، به شدت در خطر کسب امتیاز ۱۶ (۸×۲)، به طرز وخیم در خطر ۸ (۸×۱).



شایان ذکر است در سند یونسکو سطح‌بندی در مورد زبان‌های آسیب‌پذیر وجود ندارد. نگارندگان بر اساس امتیازات کسب شده‌ی هر گونه‌ی زبانی منتخب و رده‌بندی زبان‌ها بر اساس شدت تهدید، نتایج حاصله را در قالب نمودار زیر به نمایش می‌گذارند:



نمودار ۱: شدت تهدید ده گونه‌ی زبانی منتخب، بر اساس شاخص‌های سند یونسکو

از نمودار فوق می‌توان چنین استنباط کرد که وضعیت گونه‌های زبانی منتخب در شرایط نامناسبی قرار دارند و سه طبقه‌ی قطعاً در خطر، به شدت در خطر و به طرز وخیم در خطر بالاترین فراوانی را دارند. در این بین وضعیت گونه‌های زبانی منتخب استان هرمزگان به مراتب از وضعیت گونه‌های منتخب استان تهران و البرز تا حدودی بهتر است. بر اساس مشاهدات عینی، نگارندگان متوجه شدند این آبادی‌ها در چند ویژگی مشترک هستند از جمله، هرچه به لحاظ مکانی از پایتخت ایران - تهران - که به گونه‌ی زبانی فارسی صحبت می‌شود، دورتر شویم احتمال ایمن بودن گونه‌های زبانی دیگر بیشتر است. در تهران به گونه‌ی زبانی فارسی صحبت می‌شود که همین موضوع باعث شده، گونه‌های زبانی شهرهای اطراف را تحت‌الشعاع قرار دهد. در حقیقت هر چه دورتر از تهران شویم، چتر زبان فارسی بر گونه‌های زبانی دیگر کمتر می‌شود و اصالت گونه‌های زبانی بیشتر حفظ می‌شود. بر اساس نظریه‌ی امواج<sup>۱</sup> که توسط اشمیت<sup>۲</sup> زبان‌شناس قرن ۱۹ مطرح شده و امروزه نیز مورد توجه است، مسافت یا فاصله‌ی مکانی عامل مؤثری در تفاوت‌های زبانی است. همان‌طور که یک سنگ را درون آب بی‌اندازیم، موج‌های ابتدایی از محل پرتاب سنگ شروع می‌شود و به مرور موج‌های بعدی دورتر از محل پرتاب سنگ ایجاد می‌شود، هر چه مسافت با مرکز پیدایش بدعت و تنوعات زبانی نزدیک‌تر باشد، زودتر تحت تأثیر قرار می‌گیرد و هر چه مسافت با مرکز پیدایش دورتر باشد، دیرتر تحت تأثیر قرار می‌گیرد (مدرسی، ۱۳۶۸: ۱۴۵). نگارندگان وضعیت بهتر و در امان بودن گونه‌های زبانی استان هرمزگان را بُعد مسافتی و فاصله‌ی جغرافیایی نسبت به تهران می‌دانند. حال آنکه آبادی‌های

1. wave theory

2. Schmidt

استان البرز به دلیل نزدیکی با تهران زودتر تحت تأثیر زبان زبرین قرار می‌گیرند. این نگارندگان تمایل دارند گستردگی و استفاده از گونه‌ی زبانی خاص هر آبادی در استان هرمزگان را همین دوری از تهران بدانند و می‌توان بین فاصله‌ی جغرافیایی و سطح ایمنی گونه‌های زبانی رابطه‌ی مستقیمی در نظر گرفت.

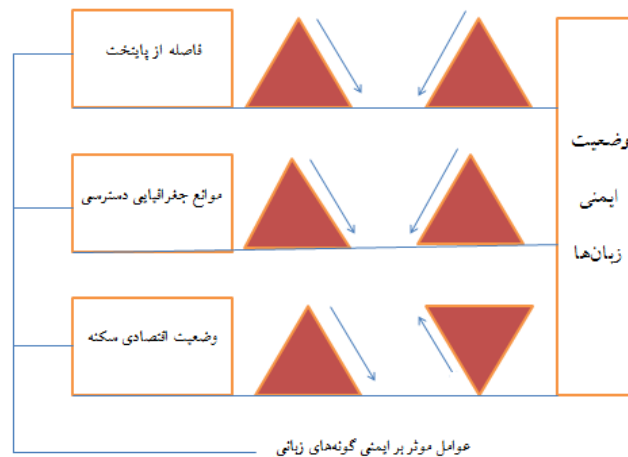
در این بین، گونه‌ی زبانی سنگانی را شاهد هستیم که رفتاری مشابه مانند آبادی‌های اطراف تهران نداشته است و با این‌که در نزدیکی تهران هست، رفتاری مشابه با آبادی‌های استان هرمزگان دارد. از آنجاکه نگارندگان برای تحقیق به صورت میدانی در تمامی آبادی‌ها حضور داشتند و زندگی مردمان را از نزدیک شاهد بودند متوجه دو موضوع دیگر شد. موانع طبیعی در ایمن بودن و ایزوله<sup>۱</sup> بودن یک گونه‌ی زبانی بسیار مهم است. بیشتر روستاهای منتخب استان هرمزگان شرایط مناسبی برای دسترسی به آنها وجود ندارد و با مناطقی بعضاً صعب‌العبور و سخت روبه‌رو هستیم، به نوعی که افراد عادی و غیرساکن تمایلی به رفت‌وآمد به چنین آبادی‌ها را ندارند. در این‌جا هم یک رابطه‌ی مستقیم می‌توان بین موانع طبیعی و ایمن بودن گونه‌های زبانی در نظر گرفت. هر چه قدر موانع طبیعی بیشتر باشد، گونه‌های زبانی بیشتر در امان هستند. در حقیقت ایزوله شدن یا جدایی به هر دلیلی باعث می‌شود مردم آن منطقه کم‌تر شبیه مناطق دیگر صحبت کنند.

وینریش<sup>۲</sup>، ۱۹۵۳، در بحث تحرک و ایزوله بودن از اصطلاح غریبگی<sup>۳</sup> و تماس<sup>۴</sup> استفاده می‌کند. تماس مردمان یک منطقه با منطقه دیگر باعث تغییر می‌شود و تغییر باعث همگرایی و همگن شدن زبانی می‌شود. نقطه مقابل این موضوع بحث واگرایی<sup>۵</sup> است که حاصل غریبگی و قطع تماس می‌باشد (چمبرز، ۱۹۹۸: ۷۳-۷۴). در آبادی‌های استان هرمزگان آن‌چه که باعث جدایی این مردمان می‌گردد وضعیت جغرافیایی می‌باشد، عمدتاً دورتادور این آبادی‌ها را کوه فراگرفته است. در مورد لارک نیز شاهد آن هستیم دورتادورش را آب فراگرفته است؛ پس همین وضعیت به گونه‌ای باعث شده گونه‌ی زبانی مردمان این مناطق حالت ایزوله‌شدگی داشته باشد. از طرفی بر اساس تئوری امواج وجود موانع طبیعی مانند کوه‌ها و دریاها مانع عبور امواج تحولات زبانی و سرایت برخی ویژگی‌های زبانی به مناطق دیگر می‌شود. بدعت‌های زبانی و تنوعات زبانی به صورت امواج در مناطق مجاور مرکز پیدایش خود، گسترش و منتشر می‌شوند؛ بنابراین هر وقت یک بدعت زبانی در یک منطقه‌ی معین به وجود آید، در طول زمان ممکن است به مناطق هم‌جوار و سپس مناطق دورتر سرایت کند؛ وجود موانع طبیعی می‌تواند از انتشار و گسترش امواج تحول زبانی به برخی مناطق جلوگیری کند (مدرسی، ۱۳۶۸: ۱۴۴)؛ به عبارت دیگر نگارندگان دلیل ایزوله بودن گونه‌های زبانی این استان را وجود عوامل طبیعی می‌دانند که باعث می‌شود گونه‌های زبانی در استان هرمزگان، نسبت به گونه‌های زبانی استان تهران و البرز از وضعیت بهتری برخوردار باشند و دلیل عدم تشابه آبادی سنگان با دیگر آبادی‌های استان تهران و البرز را وضعیت جغرافیایی این آبادی می‌دانند. نکته‌ی حائز اهمیت دیگر از دید

1. isolation
2. Weinreich
3. estrangement
4. contact
5. divergent

نگارندگان این است که بین وضعیت اقتصادی و حفظ گونه‌ی زبانی نیز رابطه‌ی مستقیم وجود دارد. اکثر آبادی‌های دورافتاده و محروم که به لحاظ مالی دچار مشکل هستند، گونه‌های زبانی ایمن‌تری دارند. نگارندگان تا الان نگاهی افقی بر اساس فاصله جغرافیایی و عوامل طبیعی داشته‌اند، اینک برای بحث اقتصادی تمایل دارند یک نگاه عمودی به وضعیت طبقه‌ی اجتماعی مردمان در آبادی‌ها داشته باشند. طبقه، لایه‌بندی اجتماعی است که بر اساس شباهت‌های شغلی، تحصیلی و اقتصادی به‌وجود می‌آید. در هر طبقه‌ی اجتماعی نوع اندیشه، ایدئولوژی، نگرش، ملی‌گرایی، نوع پوشش، نوع تفریحات و حتی زبان متفاوت است. دن‌کن<sup>۱</sup> معتقد است سه عامل شغل، تحصیلات و درآمد طبقه اجتماعی را مشخص می‌کند (چمبرز، ۱۹۹۸: ۴۷). طبقه‌ی اجتماعی همانند عوامل طبیعی عمل می‌کند. تعلق به یک طبقه‌ی خاص باعث می‌شود روابط زبانی همچون مانع و سدی باشد؛ چون تعلق اجتماعی متفاوت است زبان‌ها هم متفاوت رشد می‌کند (چمبرز، ۱۹۹۸: ۵۴). تقریباً تمامی اهالی آبادی‌های استان هرمزگان با توجه به وضعیت اقتصادی که دارند به طبقه‌ی کارگری متوسط<sup>۲</sup> و طبقه‌ی کارگری پایین<sup>۳</sup> متعلق هستند، همچنین به دلیل ایزوله بودن محیط تمایلی نیز به تغییر طبقه در آنها دیده نمی‌شود؛ پس می‌توان انتظار داشت این آبادی‌ها بر پاسداری و حفظ گونه‌های زبانی خود اصرار داشته باشند. با توجه به دو نکته‌ی اخیر نگارندگان تمایل دارند رفتار مشابه آبادی سنگان را با آبادی‌های استان هرمزگان وجود همین موارد بدانند.

این نگارندگان تمایل دارند سه نتیجه‌ی حاصله از این پژوهش را به‌صورت زیر به نمایش گذارند:



شکل ۳: عوامل مؤثر بر گونه‌های زبانی

1. Duncan
2. MWC
3. LWC

و در نهایت می‌توان وضعیت در خطر بودن گونه‌های منتخبی را بر اساس طیف رده‌بندی زبان‌های در خطر بدین حالت به نمایش گذاشت:

به طرز وخیم در خطر > به شدت در خطر > قطعاً در خطر  
افجه‌ای، اغشتی > جابانی، طالقانی > سنگانی، قشمی، ملکی گالی، لارکی، گهگمی، بستکی

### ۱۰- نتیجه‌گیری

در مقام یک نتیجه‌گیری می‌توان گفت، هر چه از پایتخت ایران به لحاظ مسافت دورتر شویم تأثیر زبان فارسی بر گونه‌های زبانی کم‌تر می‌شود و باعث می‌شود گونه‌های زبانی اصالت خود را حفظ کنند همچنین وجود عوامل طبیعی مثل کوهستان و دریا باعث ایزوله شدن گونه‌های زبانی و حفظ اصالت می‌شود. شایان ذکر است مردمان آبادی‌های دورافتاده‌تر از تهران که به لحاظ وضعیت اقتصادی به طبقه‌ی اجتماعی کارگری متوسط و طبقه‌ی اجتماعی کارگری پایین متعلق هستند، از گونه‌های زبانی خود بیشتر حفاظت می‌کنند. با این پژوهش مشخص شد وضعیت ده گونه‌ی زبانی منتخب در وضعیت به طرز وخیم در خطر تا قطعاً در خطر در طیف رده‌بندی زبان‌های در خطر سند یونسکو قرار می‌گیرند.

### منابع

- ارانسکی، یوسف. م (۱۳۷۸)، *زبان‌های ایرانی*، ترجمه‌ی علی اشرف صادقی، تهران: سخن.
- اشمیت، رودیگر (۱۳۸۲)، *راهنمای زبان‌های ایرانی*، جلد ۱ و ۲، ترجمه‌ی فارسی زیر نظر حسن رضایی باغ بیدی، تهران: انتشارات ققنوس.
- بشیرنژاد، حسن (۱۳۸۶)، «زبان‌های محلی ایران و دورنمای آینده»، زبان و زبان‌شناسی، سال سوم، شماره ۵، بهار و تابستان.
- پرمون، یداله (۱۳۸۷)، «یک پیشنهاد برای رده‌بندی زبان‌های در خطر»، مجموعه مقالات نخستین همایش ملی زبان‌شناسی، کتیبه‌ها و متون، سی‌ام بهمن الی یکم اسفند ۱۳۸۶، تهران: پژوهشگاه سازمان میراث فرهنگی، صنایع‌دستی و گردشگری، پژوهشکده‌ی زبان و گویش.
- مدرسی، یحیی (۱۳۶۸)، *درآمدی بر جامعه‌شناسی زبان*، تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، چاپ اول.
- Aitchison, Jean. (1995), *Language change: progress or decay*. Cambridge: Cambridge university press.
- Chambers, J, K. (1998), *Sociolinguistic theory*, Second edition, Blackwell.
- Coupland and Jaworskey. (1997), *Sociolinguistics*, USA: Macmillan press Ltd.
- Crystal, David. (2000), *Language death*, Cambridge: Cambridge university press.
- Fasold, Ralph. (1987), *The sociolinguistics of society*, Cambridge: Cambridge university press.
- Hudson, R, A. (1980), *Sociolinguistics*, Malta. Interprinted limited.

- Moseley, Christopher. (2010), *Atlas of the World's Languages in Danger*, 3<sup>rd</sup> edn. Paris: UNESCO.
- Otis Dudley Duncan and Blau, Peter M. (1967), *The American Occupational Structure*. New York: John Wiley & Sons, Inc.
- Redish, Laura. (2001), *Endangered language revival and revitalization*. <http://www.native-languages.org/revive.htm>.
- UNESCO (2003), (LVE) *Language Vitality and Endangerment*, Paris: UNESCO.
- UNESCO (2014), *Basic Texts of the 2003 Convention for the Safeguarding of the Intangible Cultural Heritage*, Paris: UNESCO.